

معناشناسی صبر در قرآن*

علی صالحی حاجی آبادی (نویسنده مسؤول)^۱
اصغر هادی^۲

چکیده:

استوارترین و مطمئن‌ترین روش در شرح آیات، راهیابی به عمق معنای واژگان قرآن است که راه را برای تبیین مراد خدای حکیم هموار می‌سازد. این روش در میان مستشرقان نظیر ایزوتسو و برخی از محققان اسلامی به کار گرفته شده است. پژوهش حاضر به معناشناسی مفهوم صبر در قرآن در سه گام معناشناسی واژگانی، میدان‌های معناشناسی و مطالعات متنی می‌پردازد. در گام اول با ارائه تعریف معناشناسی صبر و تبیین جهان‌بینی آن از دیدگاه قرآن، به مقایسه مفهوم صبر در قرآن با مفهوم صبر در پیش از اسلام می‌پردازد. در گام دوم میدان‌های معناشناسی و گسترده‌گی معنایی واژه در قرآن بررسی می‌شود. و در گام سوم به مطالعات متنی صبر در قرآن پرداخته می‌شود. تعریف صبر و شبکه معنایی و واژه‌های کلیدی و کانونی و جهان‌بینی صبر در قرآن در این گام تبیین می‌گردد. نتیجه بررسی معناشناسی واژگانی صبر بر پایه معنای اساسی و با مطالعه جهان‌بینی و فرهنگ قومی عرب جاهلی پیش از اسلام، نخست این است که این واژه پیش از اسلام نیز کاربرد داشته و معنای اصلی واژه صبر و دیگر واژه‌های مترادف آن، همان استقامت و بردباری است و تطورات معنایی واژگانی نداشته است. ولی بر اساس جهان‌بینی اسلامی، این واژه تطور معنایی والای اخلاقی داشته و ارزش‌های معنوی دنیوی و اخروی برای آن ترسیم شده است.

کلیدواژه‌ها:

صبر / معناشناسی / مطالعات متنی / رابطه هم‌نشینی

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۱۶، تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۴/۱۸.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2018.47369.1526

aliebnahmad121@gmail.com

۱- دانشجوی دکتری دانشگاه تهران

hadi202021@gmail.com

۲- استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

طرح مسأله

میان کلمات و جملات آیات قرآن پیوستگی معنایی خاصی برقرار است و همگی از جانب خداوند حکیم برای القای پیامی ویژه ترتیب یافته‌اند. هر واژه جایگاه خاص خود را داشته و معنای خود را در ارتباط با سایر واژگان قرآن می‌یابد. این روابط معنایی مورد توجه «ایزوتسو»، زبان‌شناس ژاپنی در کتاب «خدا و انسان در قرآن» و دیگر آثار متعلق به او قرار گرفته است. از نظر وی، معنای هر واژه با شناخت جایگاه دقیق معنایی آن با توجه به جهان‌بینی قرآن و بررسی ارتباط آن با واژگان دیگر قابل کشف است. تفاوت تفسیر و معناشناسی در این است که در معناشناسی، معنا از حالت واژه‌ای، محدود، منقطع و بریده‌شده - که بیشتر در علم تفسیر مدنظر است - خارج می‌شود. دیگر نه کلمه و واژه به‌عنوان یک معناآفرین مطرح است، و نه روابط بین واژه‌ای خیلی کارساز است. واژه و روابط بین واژه‌ای مد نظر معناشناس قرار دارد، ولی در مرحله پیشرفته‌تر مطالعه، به معنا می‌پردازد؛ یعنی از واژه و روابط واژه‌ای گذشته و به فراتر از آن می‌رود.

این پژوهش برای پاسخ به پرسش «صبر در قرآن از نظر دانش معناشناسی چگونه تفسیر می‌شود؟»، بر اساس مکتب فرهنگی و قومی (مکتب بن) و روش بومی سازی شده ایزوتسو^۱ برای تبیین معناشناسی واژه «صبر» در قرآن کریم، ابتدا به معناشناسی واژگانی صبر در دو قسم تحلیل صرفی و اشتقاقی آن و جهان‌بینی و فرهنگ قومی این واژه در عصر جاهلی پرداخته، سپس به بررسی میدان‌های معناشناسی صبر (واژه‌ها و عبارات مترادف، واژه‌ها و عبارات متضاد، واژه‌ها و عبارات مرتبط از لحاظ فعالیت و انفعال و واژه‌های ملازم)، و در آخر نیز به مطالعات و تحلیل متنی این واژه پرداخته است.

پیشینه معناشناسی مفاهیم و واژگان قرآنی سابقه چندانی ندارد، با این وصف، مقالاتی در مورد معناشناسی صبر همچون «معناشناسی صفت اخلاقی صبر از راه نسبت سنجی مفاهیم هم‌نشین آن در قرآن کریم»، «مفهوم شناسی واژه صبر با تأکید بر شبکه معنایی این واژه در قرآن»، «مطالعه حوزه‌های معنایی صبر در آیات قرآن»، و «مفهوم صبر در قرآن و دلالت‌های فلسفی و تربیتی آن» نگاشته شده است. تفاوت و



ویژگی پژوهش پیش رو از آثار یادشده در زمینه معناشناسی، در این است که بر اساس روشی نوین برگرفته از روش ایزوتسو به معناشناسی صبر در قرآن می‌پردازد. هدف پژوهش حاضر، ارائه تعریفی معناشناسانه از صبر است که برگرفته از آیات قرآن باشد. در ادامه به تبیین سه گام یاد شده در تبیین معناشناسی صبر می‌پردازیم.

گام نخست: معناشناسی واژگانی صبر

مقصود از معناشناسی واژگانی صبر، تحلیل صرفی و تبیین اشتقاق لغوی واژه و بیان جهان‌بینی و فرهنگ قومی واژه در عصر جاهلی است.

۱. تحلیل صرفی واژه صبر

برای بررسی معنای واژگانی صبر لازم است به اشعار عصر پیش از نزول و نیز نزدیک‌ترین کتب لغت به این عصر مراجعه شود.

صبر (به فتح صاد و سکون باء) به معنای استقامت و پایداری و ضد جَزَع می‌باشد (فراهیدی، ۱۱۵/۷). ریشه «صبر» دارای اشتراک لفظی و به معنای حبس نفس و خودداری کردن از چیزی است (ابن فارس، ۳۲۹). در معنای دوم، بالایی و حِدْ اعلائی یک چیزی را می‌گویند و در معنای سوم، چیز سفت و سخت و مقاوم همچون تکه سنگ یا تکه‌ای از آهن سخت است که ظاهراً معنای اول و سوم به نوعی با هم ارتباط دارند؛ چرا که امکان دارد بین سخت بودن حبس نفس و خودداری آن و استقامت در برابر انواع خواهش‌های نفسانی، با سختی سنگ و محکمی و مقاومت سنگ و آهن یک تشابه و ارتباطی برقرار نمود. به عبارت دیگر، در بیان تشابه می‌توان گفت که حبس نفس و تقوای الهی داشتن کار بسیار سخت و مشکلی است؛ همان‌گونه که سنگ و آهن سفت و سخت هستند.

از دیگر معانی واژه صبر (به کسر باء) عصاره درختی خاص است. همچنین به معنای نقیض و ضد جَزَع و بی‌تابی آمده است (فراهیدی، ۱۱۵/۷). نیز به کنترل نفس هنگام وقوع مصیبت، صبر گفته می‌شود (جوهری، ۷۰۶/۲).

وجه مشترک در همه این معانی، مقاومت در برابر ناملازمات، استقامت، پایداری و ثبات قدم است. همچنین لازم به ذکر است معنای یادشده در عصر جاهلی و پیش

از نزول قرآن کاربرد داشته و اشعاری که در قسمت بعدی به آن اشاره خواهد شد، همین مطلب را تأیید می‌کند.

۲. جهان‌بینی و فرهنگ قومی واژه صبر در عصر جاهلی

برای معناشناسی اولیه واژه که همان معنای مصطلح و رایج به‌کار گرفته شده پیش از اسلام است، علاوه بر بررسی اشتقاقی واژه و کسب معنای اساسی آن، نیاز به آشنایی با فرهنگ بومی و قومی به‌کارگیرنده واژه و جهان‌بینی او پیش از استعمال قرآن است تا با مقایسه این دو فرهنگ، بتوان به منشأ اندیشه‌های جدید و تغییر شکل یافتن اندیشه‌های کهن در دوران جاهلیت و صدر اسلام آگاه شد و فهمید که چگونه و چقدر تاریخ در اندیشه و زندگی قومی اثر گذاشته و آن را متحول می‌سازد و تا چه اندازه شرایط محیطی و شرایط گوینده و جهان‌بینی او در معناشناسی دخیل است. در واژه صبر نیز چنین است. نخستین شاهد مثال، شعر عترة، شاعر دوران جاهلیت است. او در مورد جنگی که واقع شده بود، این چنین بیان نموده:

فصبرتُ عَارِفَةً لَذلِكَ حَرَّةً تَرَسُو إِذَا نَفْسُ الْجَبَانِ تَطَلَّعُ

«موقع نبرد صبر کردم، در حالی که می‌دانستم موقع جنگ، انسان مضطرب است» (ابن منظور، ۲۳۹/۹). در این بیت، صبر به معنای نقیض و ضد جزع و بی‌تابی است. شاهد مثال دیگر، شعر لیبید است:

و لَقَدْ يَعْلَمُ صَبْحِي أَنَّنِي بَعْدَ ان السَّيْفِ صَبْرِي وَ نَقْل

«به تحقیق برای من روشن است و می‌دانم معدن قدرت شمشیرها، بی‌تابی نکردن و کلام من است» (لیبید، ۱۴۸). در این بیت شاعر شرط پیروزی را در ثبات قدم داشتن خود و بی‌تابی نکردن می‌داند.

از آنچه در جهان‌بینی و فرهنگ بومی اعراب جاهلی مشاهده می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که صبر در نظر آنان از دیدگاه معناشناسانه، عبارت است از «استقامت و پایداری شدید». به نظر می‌آید این واژه پیش از اسلام نیز کاربرد داشته و معنای اصلی واژه صبر و دیگر واژه‌های مترادف آن، همان استقامت و پایداری است.



۳. معنای اساسی صبر

آنچه از واژه صبر به ذهن متبادر می‌شود، پایداری شدید است که این معنای اولیه در همه زمان‌ها از این واژه به اذهان خطور می‌کند. معنای اساسی صبر بر اساس جهان‌بینی و فرهنگ‌های گوناگون موجود میان اعراب پیش از اسلام تفاوتی ندارد و بین همه آنها مشترک است؛ اگرچه در جهان‌بینی اسلامی معنای اخلاقی صبر تطور یافته و جایگاه والایی را به خود اختصاص داده است. معنای اساسی به‌دست آمده در این قسمت، ما را در فهم معناشناسی نسبی صبر در قرآن یاری خواهد کرد.

گام دوم: میدان‌های معناشناسی صبر

گام دوم در معناشناسی صبر در قرآن، تشکیل میدان‌های معناشناسی صبر می‌باشد. میدان معناشناسی عبارت از بررسی گسترده‌ی واژه صبر در قرآن با شناسایی واژه‌های مترادف و متضاد و واژه‌های فعال در واژه و منفعل از آن و نیز واژه‌های ملازم است. از این‌رو اجزا و عناصر میدان‌های معناشناسی شامل ۱- واژه‌های هم‌معنا (مترادف)، ۲- واژه‌های متضاد، ۳- واژه‌های مرتبط از لحاظ فعالیت و انفعالیّت، ۴- ملازم‌ها می‌باشد. به بیان دیگر، میدان‌های معناشناسی گسترده‌ی معنایی واژه صبر در قرآن را نشان می‌دهد. با این وصف برای تحلیل معنایی واژه صبر در قرآن، افزون بر آیاتی که مشتقات واژه صبر در آن به‌کار رفته، واژه‌های مرتبط دیگر نیز در آن نقش دارد.

۱. واژه‌های مترادف نسبی کلمه صبر

مقصود از مترادف در این پژوهش، مترادف نسبی است که در برخی از ویژگی‌های مفهومی یا مصداقی اشتراک دارند و مقصود مترادف تام نیست.

الف) واژه «حلم»

حلم که در اصل مترادف نسبی با صبر دارد، به‌معنای صبر زیاد می‌باشد و به کسی که ملکه صبر در وجودش نهادینه شده، حلیم می‌گویند؛ ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ﴾ (توبه/۱۴). وجه اشتراک و مترادف صبر با حلم در این است که حلم همان

صبر است، با این تفاوت که حلم به صبری می‌گویند که مقطعی و زودگذر نیست و در وجود انسان‌های صبور نهادینه شده است (مصطفوی، ۳۲۰/۲).

ب) واژه «ربص»

واژه رِبْص و تَرَبُّص به معنای انتظار می‌باشد که همان صبر کردن و عجله نکردن در انجام کاری و منتظر فرصت مناسب بودن می‌باشد (همان، ۳۰/۴)؛ ﴿قُلْ ... فَتَرَبَّصُوا...﴾ (طه/۱۳۵).

ج) واژه «ثب»

ثَبَّتْ به معنای دوام یک چیز است (همان، ۷/۲). برخی آن را به معنای ثبات شیء و ضد زوال معنا نموده‌اند. همچنین برخی آن را در این ماده دارای اصل معنایی واحد می‌دانند که همان استقرار و تداوم چیزی است که قبلاً بوده که همین معنا هم در مقابل زوال می‌باشد (همان، ۸)؛ ﴿يَثْبُتُ اللَّهُ...﴾ (ابراهیم/۱۲۷).

د) واژه «سکن»

ثبوت شیء بعد از حرکت سکون نامیده می‌شود (راغب اصفهانی، ۴۱۷). مترادف نسبی بین واژه‌های صبر و سکن وجود دارد. معنای جامع در این ماده، همان آرامش و اطمینان قلب است که مخالف اضطراب و تشویش و نگرانی می‌باشد (همان)؛ ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ...﴾ (توبه/۱۰۳).

ه) واژه «نظر» (انتظار و انظار)

واژه انظار و انتظار در لغت به معنای مهلت دادن و خودداری از عجله و پرهیز از شتاب و تندروی به کار رفته است، از این جهت با صبر مترادف نسبی دارد (مصطفوی، ۱۸۴/۲۱)؛ ﴿... مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ...﴾ (احزاب/۲۳).

و) واژه «طأمن»

واژه طأمن رباعی مجرد است، مثل «دحرج»؛ به معنای سکون بعد از اضطراب (همان، ۱۴۶/۷)؛ ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ﴾ (فجر/۲۷). در این آیه خداوند نسبت به مؤمنان می‌فرماید: آنها دارای دلی آرام‌یافته به سبب ایمان قلبی هستند؛ همان‌طور که



در صبر، انسان یک نوع آرامش خاطر داشته و دور از اضطراب است، در اینجا هم انسان صبور به یک نوع اطمینان و آرامش قلبی می‌رسد؛ به عبارت دیگر، در صبر و طمأنینه یک نوع آرامش خاطری وجود دارد.

(ز) عبارت «شرح صدر»

از دیگر واژه‌های مترادف نسبی صبر، عبارت شرح صدر است که به معنای فتح و بیان است (همان، ۳۶/۶) و این مخالف با بسط و انقباض است. همان طور که صبر مخالف با فزع و بی‌تابی می‌باشد، شرح صدر نیز مخالف با بی‌تابی است که در آیه شریفه ﴿الْمُ نَشْرَحُ لَكَ صَدْرَكَ﴾ (شرح/۱) و ﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي﴾ (طه/۲۵) به این معنا اشاره شده است.

۲. واژه‌ها و عبارت‌های متضاد صبر

یکی از میدان‌های معناشناسی، واژه‌های متضاد است. برای آنکه از مفهوم قرآنی صبر فهم دقیق‌تری داشته باشیم، لازم است واژه‌های متضاد آن را شناسایی کرده و میدان معناشناسی واژه‌های متضاد را تشکیل دهیم. مقصود از واژه‌ها و عبارت‌های متضاد در اینجا، تضاد صددرصدی و همه‌جانبه و از همه جهات نیست، بلکه شامل تضاد از برخی جهات و جوانب می‌باشد. اکنون با توجه به معنای اساسی صبر، به بررسی میدان معنایی واژه‌های متضاد صبر می‌پردازیم.

(الف) واژه «جزع»

واژه جزع ضد صبر است و به معنای پایان دادن به سکون و آن حالت طمأنینه و آرامش خاطری است که انسان موقع سکون دارد. همچنین بی‌تابی در برابر ناملایمات و سختی‌ها نیز معنا می‌دهد (همان، ۹۷/۲). در این آیه صبر مقابل جزع قرار داده شده است: ﴿سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجْرَعْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَّحِيصٍ...﴾ (ابراهیم/۲۱).

(ب) واژه «عجل»

خداوند متعال در آیات قرآن اشاره دارد که انسان از عجله و شتاب و بی‌صبری آفریده شده است؛ ﴿خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ﴾ (انبیاء/۳۷). از این رو به نظر می‌رسد یکی از واژه‌های متضاد با صبر، واژه عجله است. یگانه معنای اصلی در ماده «عجل»،

سبقت و سرعت گرفتن در کاری است، بدون اینکه منتظر رسیدن وقت آن باشند. این صفت ضد صبر و سکون و طمأنینه است (همان، ۴۹/۸)؛ مانند ﴿وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ﴾ (حج/۴۷).

ج) واژه «سبق»

این واژه به معنای تقدم و سرعت گرفتن و سبقت در سیر و حرکت است و سرعت و سبقت به معنای نوعی عجله و شتاب در کارها می باشد که بر خلاف صبر است (راغب اصفهانی، ۳۹۵)؛ مانند ﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ﴾ (انفال/۵۹).

د) واژه «ذیب»

این کلمه ضد واژه «ثبت» است که از مترادفات صبر بود و همچنین مشترک لفظی بین معانی مختلف است، به عبارتی اصل واحد است بین معانی سه گانه که در این قسمت در مورد معنای سوم بیان شد که عبارت‌اند از اضطراب و حرکت که ضد سکون و آرامش است؛ ﴿مُذَبِّبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ﴾ (نساء/۱۴۳). در این آیه واژه «ذیب» به معنای تحیر و سرگردانی است که با صبر متضاد می باشد (مصطفوی، ۳۱۹/۳).

هـ) واژه «قسی»

«قاسیه» از ماده قساوت، در اصل به سنگ‌های سخت اطلاق می شود، و به همین تناسب به کسانی که هیچ گونه انعطافی در برابر حقیقت از خود نشان نمی دهند نیز گفته می شود (همان، ۲۹۵/۹)؛ مانند کسی که سینه اش از پذیرفتن اسلام تنگ است: ﴿وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً﴾ (مائده/۱۳). در این آیه واژه «قاسیه» به معنای سخت و سنگین نمودن دل‌های کفار است.

و) واژه «فزع»

فزع به معنای خوف شدید هنگام اضطراب است و با ثبوت و آرامش متضاد و مترادف صبر است (همان، ۴۸/۸). در آیه ﴿وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمِئِذٍ آمِنُونَ﴾ (نمل/۸۹)، می توان نتیجه گرفت انسان صبور از خوف و اضطراب دور است.



۳. واژه‌ها و عبارتهای مرتبط از لحاظ فعالیت و انفعال

برای معنائشناسی مفاهیم قرآن، علاوه بر میدان‌های واژه‌های مترادف و متضاد، لازم است واژه‌هایی که نقش فَعَال و منفعل در مفهوم واژه دارند، شناسایی شده و میدان واژه‌های فَعَال و منفعل تشکیل گردد. هر مفهوم کلیدی - قرآنی دارای عوامل، علل، سبب‌ها و مؤثرهاست که به‌عنوان فعال‌کننده در مفهوم، و از سوی دیگر دارای معلول‌ها، مسبب‌ها، متأثرها و پیامدهایی است که به‌عنوان منفعل‌شونده از مفهوم، میدان معنائشناسی واژه‌های فعال و منفعل را تشکیل می‌دهند.

لازم به ذکر است با توجه به بررسی آیات، می‌توان این مبحث را در دو قسمت جداگانه تحت عناوین واژه‌های فعال و منفعل ایجادکننده صبر و بردباری و واژه‌های فعال و منفعل بی‌صبری و جزع نمودن مورد توجه و بررسی قرار داد که در این گفتار به بیان این مطالب پرداخته شده است.

لازم است بر اساس رابطه هم‌نشینی در علم معنائشناسی، سراغ میدان‌های تشکیل‌شده در واژه‌های مترادف و متضاد صبر رفت. در ادامه نخست واژه‌های فَعَال به‌وجودآورنده صبر و سپس واژه‌های فعال رفع صبر ذکر شده است.

الف) واژه‌های فَعَال در ایجاد صبر

۱- طلب خشنودی پروردگار

یکی از عوامل ایجاد صبر که باعث روحیه استقامت در وجود انسان می‌شود، این است که انسان صابر بداند موجبات خشنودی و رضایت خدا را به‌دست آورده و همین باعث می‌شود که وی در برابر کوهی از مشکلات زندگی صبور باشد؛ ﴿وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ...﴾ (رعد/۲۲).

۲- سفارش یکدیگر به صبر

عامل دیگر ایجادکننده صبر، سفارش نمودن یکدیگر به استقامت در برابر مشکلات است، که می‌توان با استفاده از رابطه هم‌نشینی، از آن در ایجاد صبر استفاده نمود؛ ﴿وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾ (بلد/۱۷، عصر/۳).

۳- الگوپذیری از پیامبران اولوالعزم

از دیگر عوامل ایجادکننده صبر، الگو قرار دادن انبیا و پیامبران است؛ ﴿فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ﴾ (احقاف/۳۵).

۴- جهاد

از واژه‌هایی که در ایجاد صبر نقش فعال دارد، کلمه «جهاد» است که می‌توان با استفاده از رابطه هم‌نشینی، از این واژه در ایجاد صبر کمک گرفت که در برخی از آیات به آن اشاره شده است؛ مانند ﴿ثُمَّ جَاهِدُوا وَصَبِرُوا﴾ (نحل/۱۱۰).

ب) واژه‌های فعال در صابر نبودن (موانع صبر)

در این بخش بر اساس رابطه هم‌نشینی، واژه‌های فعال رفع صبر (موانع صبر) که در ایجاد بی‌صبری نقش دارند، شناسایی می‌شود.

۱- سرعت در گناه

سرعت در گناه، یکی از عوامل به‌وجود آورنده بی‌صبری است؛ ﴿وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ﴾ (مائده/۶۲). درست است که در آیه سخنی از صبر به میان نیامده، ولی از باب «تعرف الاشياء باضدادها»، چون سرعت ضد صبر است، پس آیه بر این مطلب دلالت دارد. از این رو در روایات، صبر در طاعت نیز مطرح شده و کسی که صبر در طاعت ندارد، سرعت در انجام گناه خواهد داشت.

۲- درخواست تعجیل در عذاب الهی

با استفاده از رابطه هم‌نشینی واژه‌های متضاد صبر مثل «عجل»، شتاب در عذاب الهی از واژه‌های فعال در رفع صبر به‌شمار می‌آید؛ ﴿وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ﴾ (حج/۴۷).

۳- نفاق

از واژه‌های فعال در رفع صبر، دورویی و نفاق است که آیه شریفه ﴿تَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ﴾ (مائده/۵۲) بر آن دلالت دارد.

۴- بی‌توجهی به یاد الهی

یکی از عوامل ایجادکننده بی‌صبری در وجود انسان، بی‌توجهی به یاد الهی است که در این آیه به آن اشاره شده است: ﴿فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ﴾



(زمر/۲۲). از آنجا که کلمه «قاسیه» با واژه صبر تضاد نسبی دارد، این آیه در میدان معناشناسی واژه‌های فعال قرار می‌گیرد.

۵- هلوع

«هلوع» از واژه‌های فعال در رفع صبر است که با استفاده از رابطه هم‌نشینی می‌توان به آن استناد کرد. آیه شریفه می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا* إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا﴾ (معارج/۱۹-۲۰). واژه «جزع» در میدان معنایی صبر راه دارد؛ زیرا جزع و صبر با یکدیگر تضاد نسبی دارند. همچنین واژه «هلوع» (آزمندی) از واژه‌های فعال در بی‌صبری است که موجب می‌شود وقتی شری به انسان برسد، بی‌صبری کند (مصطفوی، ۲۹۴/۱۱).

ج) واژه‌های منفعل

برای به دست آوردن واژه‌های منفعل و متأثر صبر، بار دیگر لازم است میدان‌های معناشناسی واژه‌های مترادف و متضاد نسبی صبر در قرآن را به دقت بررسی کرده و بر اساس رابطه هم‌نشینی، به بیان واژه‌های منفعل در صبر و پیامدهای ناشی از عوامل صبرآور و سبب‌های رفع صبر پرداخته شود.

۱- حمایت خداوند از صابران

یکی از پیامدهای صبر، همراهی خداوند با صابران است که با استفاده از رابطه هم‌نشینی، برخی از آیات مانند ﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (انفال/۴۶) به آن اشاره کرده که در این آیه، همراهی خداوند با انسان‌هایی که در برابر مشکلات صبرپیشه هستند، از پیامدهای مهم صبر است.

۲- دوستی خداوند

اگر انسان در برابر مشکلات استقامت کند، محبت الهی را در پی دارد. فراز قرآنی ﴿وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾ (آل عمران/۱۴۶) بر این مطلب دلالت دارد.

۳- رسیدن به مقام هدایتگری

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا﴾ (سجده/۲۴)؛ برخی انسان‌ها را به‌خاطر ایمان و یقینی که به آیات ما داشته و در برابر مشکلات

استقامت نمودند، به مقام پیشوایی و هدایت‌گری امت برگزیدیم و بر طبق دستورات ما مردم را هدایت می‌نمودند.

۴- مغفرت الهی

از واژه‌های منفعل در صبر می‌توان به کلمه مغفرت الهی اشاره نمود. مغفرت الهی شامل حال کسانی می‌شود که در راه خدا استقامت داشته باشند؛ ﴿إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا... أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ﴾ (هود/۱۱).

۵- توکل

توکل یکی از نتایج مهم صبر است. این نتیجه با توجه به رابطه هم‌نشینی در صبر در آیه ﴿الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ (عنکبوت/۵۹، نحل/۴۲) به دست آمده است.

۶- ثبات قدم

از واژه‌های منفعل و پیامدهای صبر، ثبات قدم است که در برخی از آیات به آن اشاره شده است؛ مانند ﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا﴾ (بقره/۲۵۰). در این آیه می‌توان گفت تقدیم لفظی ایجاب می‌کند گفته شود داشتن روحیه صبر به ثبات قدم و پیروزی می‌انجامد.

۷- عمل صالح

از جمله نتایج مفید و ارزنده‌ای که انسان در پرتو صبر به آن دست می‌یابد، عمل صالح است؛ به تعبیری داشتن روحیه استقامت در برابر دستورات و فرامین الهی به انجام اعمال صالح منجر می‌شود؛ ﴿إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ (هود/۱۱). کسی که صبر بر طاعت دارد، در انجام اعمال صالح موفق است.

۸- درود فرشتگان

سلام فرشتگان از نتایج صبر است که بر اساس رابطه هم‌نشینی، آیه ﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ﴾ (رعد/۲۴) بر آن دلالت دارد؛ زیرا انسان صبور به خاطر خویشنداری و ترک گناه و اطاعت از دستورات الهی، سزاوار سلام و درود و تعظیم فرشتگان می‌گردد.



۹- خنثی شدن کید دشمن

از واژه‌های منفعل در صبر، محافظت انسان در برابر کید دشمنان است؛ یعنی نتیجه تقوای الهی و صبر در راه خدا می‌تواند به صورت مراقبی از طرف خدا هویدا شود؛ ﴿إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضْرُقْكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا﴾ (آل عمران/۱۲۰).

۱۰- غلبه بر دشمن

از پیامدهای داشتن صبر، غلبه بر دشمن است. انسان به واسطه استقامت در برابر توطئه‌های دشمنان می‌تواند بر آنها غلبه پیدا کند؛ ﴿إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ﴾ (انفال/۶۵).

۱۱- غرفه‌های بهشتی

یکی از پیامدهای مهم انسان‌های صبور، رسیدن به خانه‌های بهشتی است؛ ﴿أُولَئِكَ يَجْزُونَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا﴾ (فرقان/۷۵).

۱۲- فرجام نیک

همچنین از ثمرات و نتایج صبر، پایان‌کار خوش می‌باشد که در این آیه به آن اشاره شده است: ﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ﴾ (رعد/۲۴).

۱۳- بهره‌مندی از نور الهی

از واژه‌های منفعل در به وجود آوردن صبر، این آیه است: ﴿أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِ﴾ (زمر/۲۲) که می‌توان با استفاده از رابطه هم‌نشینی و نتیجه شدن نور از شرح صدر و با توجه به اینکه کلمه «شرح صدر» در حوزه معنایی واژه‌های مترادف نسبی واژه صبر جای دارد و به قرینه سیاق آیات، به این نتیجه دست یافت.

۱۴- اجر و آمرزش الهی

جزا و پاداش الهی و اجر بزرگ، از واژه‌های فعال به وجود آورنده صبر در حوزه معنایی این واژه است؛ ﴿إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ﴾ (هود/۱۱).

۱۵- عفو و گذشت از دیگران

از واژه‌های فعال در ایجاد صبر، عفو و گذشت از دیگران است؛ ﴿وَلَّيْنُ صَبْرْتُمْ لَهَوَّ خَيْرٌ لِّلصَّابِرِينَ﴾ (نحل/۱۲۶). در این آیه، صبر دخالت در گذشت دارد. مؤمن چون صبر می‌کند، می‌تواند گذشت کند. اگر صبر نداشته باشد، اهل عفو و گذشت نخواهد بود.

۴. واژه‌های ملازم

مقصود از واژه‌های ملازم، واژه‌ها و مفاهیمی است که شرط لازم و جدایی ناپذیر شیء هستند (هادی، ۱۶۸)، مثل زوجیت برای عدد دو و یا تاریکی برای شب. اثبات ملازمه بودن برای امور (بدیهی و تجربی) حسی به راحتی قابل درک و فهم است، اما فهم این تلازم در مواردی نیاز به استدلال دارد تا این پیوستگی و ارتباط به دست آید. لازم به ذکر است که ملازمه بر دو گونه است: ملازمه یک طرفه و دوطرفه. ملازمه دوطرفه در واژه صبر به این معناست که چیزی یا امری لازم صبر است و صبر نیز لازم آن می‌باشد، اما در ملازمه یک طرفه، به این ارتباط دوطرفی نیازی نیست.

الف) الله (ایمان به خدا)

ایمان به خدا با صبر در رابطه است. باتوجه به بررسی آیات قرآن، هر جا ایمان به خدا وجود دارد، واژه صبر هم در کنار آن قرار دارد؛ به تعبیری هر جا صبر است، ایمان به خدا نیز هست و هر جا ایمان است، صبر نیز وجود دارد؛ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ﴾ (بقره/۱۵۳).

ب) سکینه و آرامش داشتن

از لوازمات صبر، رسیدن به مقام آرامش و آسایش است و این مقام شامل مسلمانانی است که به مراتب بالای ایمانی رسیده و به افتخار عبد بودن شرفیاب گردیده‌اند، از این رو دیگر هیچ گونه تزلزلی در وجود آنها راه ندارد؛ ﴿صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ﴾ (توبه/۱۰۳). بین صبر و سکون رابطه ملازمت وجود دارد، از این رو هر کسی که به مقام صبر رسیده باشد، دارای یک سکون و آرامش درونی



است. به خاطر همین هر کسی که صبور باشد، حتماً دارای سکون است و این سکون با عبادت و اطاعت الهی محقق می‌شود.

ج) ثبات قدم

یکی از واژه‌هایی که مترادف نسبی صبر است، واژه «ثبت» است که دلالت بر ثبوت قدم و عدم تزلزل دارد، و در معناشناسی نسبی با صبر می‌توان جزء واژه‌های ملازم دوطرفه با واژه صبر مطرح کرد؛ چرا که هر صبری مستلزم با ثبات قدم است و هر ثبوت قدمی بدون صبر معنا ندارد؛ ﴿رَبَّنَا أفرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا﴾ (بقره/۲۵۰).

د) تقوا

از نشانه‌های اهل تقوا، صبر در برابر مشکلات است. به همین علت واژه صبر و تقوا را می‌توان از واژه‌های ملازم با یکدیگر دانست؛ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران/۲۰۰).

ه) عمل صالح

اصولاً ایمان و عمل صالح بدون صبر معنا ندارد. در کنار عمل صالح، انسان باید صبور باشد تا بتواند به بهترین شکل، دستورات و وظایف الهی خود را انجام بدهد؛ ﴿إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ (هود/۱۱).

و) توکل

از دیگر واژه‌های ملازم با صبر، می‌توان به واژه توکل اشاره نمود؛ چرا که در برخی از آیات این دو واژه مکمل یکدیگر هستند و صبر بدون توکل بر خدا به نتیجه مطلوب نخواهد رسید؛ مانند ﴿الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ (نحل/۴۲).

ز) ایمان

سفارش به صبر از لوازم ایمان است و ایمان از لوازم صبر است؛ ﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا... وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ﴾ (عصر/۳).

ح) یقین

انسانی در برابر مشکلات صبر می‌کند که به آیات الهی یقین داشته باشد و اصولاً صبر بدون یقین، عملاً امکان‌پذیر نیست؛ ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾ (سجده/۲۴).

ط) قابل تحمل بودن غم و پریشانی

نداشتن هر نگرانی، نیازمند صبر، و لازمه اندوهگین نشدن، وجود صبر است. فقط افراد صبورند که می‌توانند از بحران‌های حزن‌آلود به سلامت عبور کنند. آیه شریفه ﴿وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ﴾ (نحل/۱۲۷) به این مطلب اشاره دارد.

ی) عفو و گذشت

از آنجا که عفو و گذشت از لوازمات انسان‌های صابر است، چرا که انسان صبور به انتقام و مقابله به‌مثل فکر نمی‌کند؛ از این رو گذشت را می‌توان از ملازمات صبر دانست؛ ﴿وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (شوری/۴۳). همچنان‌که در این آیه به آن اشاره گردید، انسان صبور موقع برخورد با دیگران در مقابل خطاهایشان جهت گرفتن انتقام شتاب نمی‌کند، بلکه راه غفران و بخشش را در پیش می‌گیرد.

ک) هدایت

در صورتی هدایت واقعی شامل حال انسان‌ها می‌گردد که صبر را سرلوحه زندگی خود قرار دهند. به همین علت یکی از لوازمات صبر، هدایت انسان‌هاست؛ ﴿وَقَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهْدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَمْ جَزَعْنَا أَمْ صَبَرْنَا﴾ (ابراهیم/۲۱).

گام سوم: مطالعات متنی صبر

در گام دوم گستردگی معنایی صبر در قرآن و آیات مرتبط شناسایی و نقش واژه‌ها بر اساس رابطه هم‌نشینی بیان شد. در گام سوم به مطالعات متنی و تحلیل آیات و نقش‌ها پرداخته می‌شود. اکنون با توجه به مطالب گفته شده در دو گام



پیشین، به تحلیل معناشناسانه این واژه در قرآن می‌پردازیم تا به معنای نسبی صبر در قرآن نزدیک‌تر شویم.

فرایند مطالعات متنی صبر در سه مرحله مؤلفه‌های معنایی صبر، شبکه معنایی صبر و واژه‌های کلیدی و کانونی صبر در قرآن تبیین می‌گردد.

۱. مؤلفه‌های معنایی صبر

با توجه به میدان‌های معناشناسی واژه‌های مترادف و متضاد نسبی صبر که یادآور شدیم، یکی از فرایندهای این دو میدان، تشکیل واژه‌های ملازم صبر بود. برای آنکه بتوان از واژه‌های ملازم در یک تحلیل معناشناسانه بهره برد، لازم است لوازم صبر را در قالب مؤلفه‌های معنایی که در علم معناشناسی بیان شده است، تحلیل کرد (صفوی، ۲۷۸).

یکی از روش‌های تبیین مؤلفه‌های معنایی یک واژه، روش تحلیل مؤلفه‌ای است. به کمک این روش می‌توان شرایط لازم و کافی را به‌گونه‌ای اختصاری بیان کرد. به‌عنوان مثال، می‌توان تقابل میان چهار واژه «مرد»، «زن»، «پسر» و «دختر» را برحسب مؤلفه‌های معنایی به شکل زیر نشان داد:

مرد = [+انسان] [+مذکر] [+بالغ]

زن = [+انسان] [-مذکر] [+بالغ]

پسر = [+انسان] [+مذکر] [-بالغ]

دختر = [+انسان] [-مذکر] [-بالغ]

در این مؤلفه‌ها، هر مؤلفه معنایی در میان دو قلاب و به کمک مشخصه‌های دوگانه «+» یا «-» مشخص شده است. به این ترتیب، نشانه [+مذکر] به معنای «مذکر است» به‌کار می‌رود و معادل [-مذکر] «مذکر نیست» به حساب می‌آید. در چنین شرایطی «مرد» از طریق دو مؤلفه [+مذکر] [+بالغ] از «دختر» متمایز می‌گردد و به کمک مؤلفه [+مذکر] در تقابل با «زن» قرار می‌گیرد.

بر همین اساس می‌توان مؤلفه‌های معنایی صبر در قرآن را نیز تحلیل کرد. واژه‌های ملازم صبر در قرآن که در میدان معناشناسی واژه‌های ملازم بیان شد،

عبارت‌اند از: الله+ توکل+ سکینه و آرامش داشتن+ ثبات قدم+ عمل صالح+ عفو و بخشش دیگران+ غلبه بر دشمن+ سفارش دیگران به صبر و پایداری+ فرجام نیک+ آمرزش و رحمت الهی - (تذبذب+ ظلم+ جزع و فزع+ غضب+ عجله).

از این رو ملازم‌های صبر را می‌توان به تحلیل مؤلفه‌ای و اختصاری چنین بیان کرد: [الله] - [جزع و فزع] [-تعجیل] [-تذبذب] [+ثبات قدم] [-قسى القلب بودن] [+سفارش دیگران به رعایت صبر] [-غضب] [-ظلم] [+توکل].

از این مؤلفه‌های ده‌گانه، چهار مؤلفه مثبت و شش مؤلفه منفی است؛ یعنی برای تحقق صبر مورد نظر قرآن، نبودن شش مؤلفه منفی و تحقق چهار مؤلفه مثبت لازم است. تحلیل مؤلفه‌ای مذکور ما را از معناشناسی اولیه که همیشه همراه واژه صبر است، به معنایی نسبی که از روش معناشناسانه مورد نظر این پژوهش به‌دست آمده، نزدیک می‌کند. بر این اساس، تعریف صبر و به بیان دیگر معنای نسبی اولیه صبر از دیدگاه قرآن عبارت است از: «استقامت در برابر تمام سختی‌ها، با توجه به نصرت الهی به سبب قدرت ایمان و باور قلبی به معاد و پاداش و رضایت الهی که منجر به پدید آمدن ملکه صبر در وجود انسان گشته و زمینه تبعیت کردن از هدایت و دستورات الهی را فراهم می‌نماید. داشتن استقامت در زمینه‌های مختلف، همراه با راضی بودن به رضای الهی، موجب کمال عبودیت در وجود انسان گردیده و سکینه و آرامش را به همراه دارد و موجب نشاط در دنیا و همراهی با پیامبران و رضایت الهی در آخرت می‌گردد».

معنای نسبی مذکور به کمک تحلیل‌های معناشناسانه بعدی، تصویر دقیق‌تری از آن ارائه خواهد داد.

۲. شبکه معنایی صبر

واژه‌های فعال و منفعل در صبر در گام دوم بیان شد. اکنون در گام سوم در تحلیل شبکه معنایی صبر، به بیان واژه‌های بسیط (واژه‌هایی که تجزیه‌پذیر به واژه‌های دیگر نیستند) و مرکب (واژه‌هایی که تجزیه‌پذیر به واژه‌های دیگر هستند) و تقسیم آن دو به بُعدهای معرفتی، عاطفی، خواسته‌ها، افعال و شخصیت و منش^۲ می‌پردازیم.



در گام دوم واژه‌های فعال صبر در دو میدان بررسی شد: میدان معناشناسی واژه‌های فعال در به وجود آوردن صبر و میدان واژه‌های فعال در ضد صبر. همچنین واژه‌های منفعل از صبر بیان شد. در ادامه به تحلیل شبکه معنایی این سه میدان می‌پردازیم.

الف) واژه‌های فعّال در صبر

بهره‌مندی از فضل و رحمت الهی، از واژه‌های مرکب و از نوع خواسته‌هاست. اعمال صالح مثل نماز و جهاد و سفارش یکدیگر به صبر، تقوا، عفو و گذشت و دخول در بهشت، در بعد افعالی انسان جای می‌گیرد که از این میان «دخول در بهشت» بسیط و بقیه از واژه‌های مرکب می‌باشند.

لازم به ذکر است افعالی مانند «عفو و گذشت» و «سفارش یکدیگر به صبر»، اگر به صورت ثابت در افراد درآید، جزء منش و شخصیت افراد منظور می‌گردد.

بعضی از واژه‌های فعال صبرآور از نوع معرفتی هستند؛ مانند «ایمان». ایمان واژه مرکبی است که خود میدان معناشناسی وسیعی را تشکیل داده و از واژه‌های مرکب و بسیط دیگری تشکیل شده است و از آنجایی که مشتقات این واژه ۵۲۳ کلمه است و این میدان یکی از مهم‌ترین میدان‌های معناشناسی قرآن می‌باشد، از این رو معناشناسی آن نیاز به پژوهشی دیگر دارد.

گروهی دیگر از واژه‌های فعال در صبر از نوع عاطفی‌اند. «عفو و گذشت»، «سکینه و آرامش» و «رضایت الهی» از واژه‌های بسیط و فعال در ایجاد صبر است که از بعد عاطفی در صبر نقش ایفا می‌کنند.

گروهی دیگر از واژه‌های فعال در ایجاد صبر از نوع افعال انسانی هستند که عبارت‌اند از «توکل»، «عمل صالح»، «ثبات قدم» و «جهاد» که از واژه‌های بسیط در ایجاد صبر به‌شمار می‌روند. صدور این افعال از انسان منجر به ایجاد صبر می‌گردد؛ هرچند نحوه تأثیر دقیقاً برای ما معلوم نباشد، اما چون منشأ صدور آن خدای حکیم است و در قرآن بیان گردیده، پذیرفتنی است.

برخی از این افعال در رابطه با دیگران است؛ مثل «سفارش یکدیگر به صبر»، «عفو و گذشت» و «الگوپذیری از پیامبران» و برخی از این افعال مربوط به خود هر شخص است؛ مثل «شرح صدر»، «تقوا»، «حلم»، «طمأنینه و سکون» و «منتظر بودن».

برخی از صفات فَعَال مذکور از نوع افعال، مانند حلم، تقوا، عمل صالح، صَبَار، اگر به عنوان صفت ثابت در فردی فَعَال باشند، از نوع شخصیت و منش خواهند بود.

بنا بر نظر قرآن، معلوم است که هر واژه فَعَال در صبر می تواند در هر شخصی ایجاد ثبات قدم و روحیه استقامت نماید، اما تأثیر هر واژه، به اضافه واژه های فَعَال دیگر نیز موجبات شدت صبر را فراهم می نماید.

ب) تحلیل شبکه معناشناسی واژه های فَعَال در رفع صبر

واژه های فَعَال در میدان معناشناسی رفع صبر یا بسیط هستند و یا مرکب، و هر یک در انواع معرفتی، عاطفی، خواسته ها، افعال و شخصیت و منش جای می گیرند. «کفر» به عنوان رکن اصلی رفع صبر است و مرکب، و در بُعد معرفتی جای دارد. «عفو و گذشت» از واژه های مرکب و از نوع عاطفی است؛ اگرچه می توان آن را جزء بُعد افعالی نیز جای داد.

ج) تحلیل شبکه معناشناسی واژه های منفعَل از صبر

واژه های منفعَل نتیجه و پیامدهای صبر را نشان داده و اهمیت و ارزش آن را بیان می کند. «غلبه بر دشمن» را از نوع افعال می توان نامید و از نوع مرکب می باشد؛ ﴿إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِثَّتَيْنِ﴾ (انفال/۶۵). همان طور که در این آیه اشاره شد، انسان هایی که در راه خدا صبر کنند، در نهایت نصرت و پیروزی الهی شامل حالشان می گردد و کسانی که استقامت نداشته باشند، محکوم به شکست هستند.

«رضایت الهی» و «یاری الهی» در بُعد افعالی جای می گیرند. هر دو واژه مرکب می باشند که در آیه ﴿وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ... أُولَئِكَ لَهُمْ عِزِّي الدَّارِ﴾ (رعد/۲۲) اشاره دارد کسانی که در راه خدا استقامت داشته باشند، در نهایت خوشنودی و رضایت الهی فرجام کار آنهاست؛ برخلاف انسان های بی طاق که خشم و غضب الهی و در نهایت عذاب خداوند گریبانگیرشان می گردد.

«پیشوایان هدایت» نیز از واژه های مرکب و در بعد معرفت جای دارد؛ ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا﴾ (سجده/۲۴). در این آیه می فرماید کسانی که



در راه خدا صبر و استقامت داشته باشند، صلاحیت پیشوایی امت‌ها را دارند و سزاوار است که رهبری امت را به‌عهده بگیرند؛ چرا که از لوازم رهبری جامعه، صبر و بردباری است؛ برخلاف افراد کم‌طاقت که با کوچک‌ترین فرازونشیبی در اداره جامعه، عقب‌نشینی کرده و توان مقابله و راه علاج ندارند.

۳. واژه‌های کلیدی و کانونی صبر در قرآن

در این قسمت به بیان میدان‌های تشکیل شده در اطراف واژه صبر پرداختیم. ابتدای این قسمت نیز تحلیل بخشی از آنها بیان شد. گروهی از این واژه‌های اطراف واژه صبر کلیدی‌اند؛ کلماتی که نقش واقعاً منطقی از ساختن جهان‌بینی تصویری صبر در قرآن را داشته (توشیهیکو، مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن مجید، ۲۲) و مهم‌ترین کلماتی هستند که در اطراف واژه صبر فعال‌اند.

همچنین برخی دیگر از این واژه‌ها نقش واژگان کانونی را ایفا می‌نمایند و نقش‌شان از واژگان کلیدی در ساخت جهان‌بینی صبر بااهمیت‌تر است؛ زیرا واژگان کلیدی کلمات مهمی هستند که در اطراف یک واژه گرد می‌آیند و واژگان کانونی افزون بر این ویژگی، به‌عنوان یک کلمه در مرکز عنوان، ایجادکننده وحدت در میدان‌های زیرمجموعه خود نیز هستند و نقش متمایزکننده برای یک میدان معناشناختی نسبت به یک کل بزرگ‌تر از واژگان را دارند (همان، ۲۸)، ازاین‌رو واژه‌های کانونی نقش محوری و متحدکننده و متمایزکننده را ایفا می‌کنند.

نخستین نقش بااهمیت مربوط به واژه‌های ملازم و همان مؤلفه‌های صبر می‌باشد که در تحلیل مؤلفه‌ای در ابتدای این گفتار بیان شد. مؤلفه‌های صبر همگی از واژه‌های کلیدی هستند؛ زیرا بدون آنها صبری صورت نمی‌گیرد. واژه‌های «عاقبت صابران»، «سکینه و آرامش داشتن»، «فرجام نیک»، «غرفه‌های بهشتی» و «خشنودی خدا» از مهم‌ترین واژه‌ها در ساختن جهان‌بینی تصویری صبر در قرآن هستند.

در جهان‌بینی صبر در قرآن، رضایت الهی و خشنودی خداوند در رابطه با استقامت در راه ایمان و عقیده و در نهایت تبعیت کردن از هدایت الهی «الله»، از مهم‌ترین واژه‌هایی است که جهان‌بینی توحیدمحور قرآن را بیان می‌کند. به عبارت

دیگر، تبعیت کردن از هدایت الهی الله که کانونی‌ترین محور قرآن است، منجر به استقامت در راه کمال بندگی انسان خواهد شد.

وجود سکینه و آرامش و ایجاد حالت استقامت در وجود خود به دلایل متعدّد، از جمله نظر به رحمت الهی که همگی زیرمجموعه تبعیت کردن از هدایت الهی است، جهان‌بینی صبر در قرآن را ترسیم می‌کند. این جهان‌بینی، صبر را توأم با ایمان قلبی، نظر به سخنان و سیره عملی پیامبران، مخصوصاً پیامبران اولوالعزم و شرکت در جهاد، کمک خواستن از صبر و نماز، ایمان، تقوای الهی، رضایت و پاداش الهی می‌داند، و بی‌صبری را نتیجه بی‌ایمانی، ظلم، فساد، غضب و شتاب در عذاب الهی و عدم توجه به قیامت و حساب و کتاب الهی می‌داند. به بیان دیگر، جهان‌بینی قرآن نسبت به بحث صبر هم بُعد معرفتی انسان را دربر می‌گیرد، و هم بُعد عاطفی و شخصیت و منش انسان را، و هم خواسته‌ها و افعال او را شامل می‌شود.

از ویژگی‌های این جهان‌بینی آن است که انسان مورد نظر قرآن، انسانی است با استقامت و حلیم و ثابت‌قدم همراه با سکینه و اطمینان خاطر که اگر از باید و نبایدهای الهی تبعیت کند، در برابر تمام مشکلات پیروز میدان است. از این رو است که از میان ۱۰۷ آیه از قرآن که واژه صبر و مشتقاتش به‌کار رفته، ۱۴ آیه به‌صورت پاداش و نتیجه صبر است و برخورداری از جزع و فرع را نفی می‌کند.

در میان واژه‌های کلیدی مذکور در اطراف صبر در قرآن، ایمان، توکل و تبعیت از فرامین الهی از جمله واژگان کانونی‌اند که علاوه بر اهمیت و جایگاه خاص به‌عنوان یک کلمه در مرکز صبر، اصل ایجادکننده وحدت در میدان‌های زیرمجموعه خود و نقش محوری و متحدکننده و متمایزکننده را نیز دارد. همه واژه‌های فعال در صبر و رفع صبر؛ چه آنها که ملازم صبرند و چه آنها که در کمال صبر نقشی دارند، زیرمجموعه واژگان کانونی‌اند. بدون واژگان کانونی، سایر واژه‌های فعال نقش جدی ندارند. به‌عنوان مثال، نماز و اصلاح خود و غلبه بر دشمن، آن هنگام که با محدودیت واژگان کانونی، یعنی اطاعت و تبعیت الهی، ایمان و توکل به خدا باشد، در به‌وجود آوردن صبر مؤثر می‌باشند.



در پایان یادآور می‌شویم اهمیت وجود صبر در قرآن با مراجعه به واژه‌های منفعل از صبر آشکار شد که بخشی از آن عبارت بود از داشتن آرامش و یاری الهی و به دست آوردن مقامات عالی‌ای چون مقام رسالت و رضایت و پاداش الهی و غرفه‌های بهشتی. معنای نسبی مذکور صبر با تصویر دقیق آن در این پژوهش، همان معناشناسی صبر در قرآن است که بر اساس یک فرایند معناشناسانه به دست آمده است.

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر بر اساس سه گام، به معناشناسی واژه صبر در قرآن پرداخته شده است. در بررسی واژگانی صبر، بر پایه معنای اساسی و با مطالعه جهان‌بینی و فرهنگ قومی در عصر جاهلی و مراجعه به کتب نظم و نثر عصر نزول، واژه صبر و واژه‌های مترادف آن مثل حلم، اصطبر، انتظار و ... به همان معنای اساسی استقامت و پایداری و انتظار است.

در میدان‌های معناشناسی که همان بررسی واژه‌های مترادف و متضاد و واژه‌های فعال و منفعل و ملازم‌ها بودند، گسترش میدانی واژه‌های صبر در قرآن بیان شد. در مطالعات متنی، به تعریف صبر و معنای نسبی آن، واژه‌های کلیدی، کانونی و جهان‌بینی توحیدمحور در قرآن دست یافتیم.

در جهان‌بینی صبر در قرآن، استقامت در راه آرمان‌های الهی از مهم‌ترین واژه‌هایی است که جهان‌بینی توحیدمحور قرآن را بیان می‌کند. در واقع تبعیت کردن از هدایت الهی «الله» که کانونی‌ترین محور قرآن است، در نهایت طبق وعده الهی، منجر به پیروزی و نصرت خدا خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

۱- معناشناسی دارای روش‌های گوناگونی است. روشی که در این مقاله دنبال شده، بر اساس مکتب فرهنگی و قومی (مکتب بن) و روش بومی سازی شده ایزوتسو است که در شماره ۷۲ فصلنامه «پژوهش‌های قرآنی» تبیین شده است (نک: هادی، روشی نوین در معناشناسی مفاهیم و واژه‌های قرآنی، ۸۶).

۲- در یک گروه‌بندی، حوزه اختیاری انسان به پنج گروه - که هر گروهی به بُعد یا ابعادی از افعال اختیاری انسان دلالت دارد - تقسیم‌بندی می‌شود: معرفتی (که شامل عقاید، علم، باورها

و... هر انسان است)، عاطفی (که شامل احساسات، عواطف و هیجانات هر انسانی است)، خواسته‌ها (که دربر دارنده خواسته‌ها و خواهش‌های هر انسانی است)، افعال (که دربر دارنده کارهای ظاهری ارادی انسان است)، شخصیت و منش (که به‌عنوان صفات پایدار گویای شخصیت یک انسان است؛ مانند صالح بودن).

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.

۲. نهج البلاغه.

۳. ابن فارس، احمد؛ معجم المقاییس اللغة، بیروت، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.

۴. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۴ق.

۵. توشیهیکو، ایزوتسو؛ خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۱ش.

۶. _____؛ مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۸۸ش.

۷. جوهری، اسماعیل بن حماد؛ الصحاح، بی‌جا، انتشارات امیری، ۱۳۶۸ش.

۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ القرآن، قم، نشر طلیعه نور، ۱۴۲۹ق.

۹. زمخشری، محمود بن عمر؛ اساس البلاغه، بیروت، دار صادر، ۱۳۹۹ق.

۱۰. صفوی، کوروش؛ درآمدی بر زبان‌شناسی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.

۱۱. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ العین، بیروت، دارالهجرة، ۱۴۰۹ق.

۱۲. محمدی، حمید؛ مفردات قرآن، قم، مؤسسه فرهنگی دارالذکر، ۱۳۸۵ش.

۱۳. مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.

۱۴. هادی، اصغر؛ «روشی نوین در معناشناسی مفاهیم و واژه‌های قرآنی»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۷۲، زمستان ۱۳۹۱، ۱۰۳-۸۶.

۱۵. _____؛ «معناشناسی واژه عبودیت در قرآن کریم»، آموزه‌های قرآنی، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ۵۲-۲۳.